

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)  
علمی - پژوهشی  
سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۱ - شماره پیاپی ۱۶

## جایگاه حصر و قصر (اختصاص) در شعر قیصر امین‌پور

(ص ۴۱۲-۴۰۱)

احمدرضا کیخای فرزانه<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

### چکیده

این مقاله گامی در جهت بازبینی و جایگاه حصر و قصر به عنوان یکی از فصول مهم فنّ معانی و رویکردهای بلاغی تأثیرگذار در تحلیل متون است. در علم معانی، اختصاص یعنی حصر کردن چیزی یا کاری در کسی، یا انفراد و انحصار کسی یا چیزی به کاری یا امری. در این بین رویکردها و اغراض حاصل از کاربرد حصر و قصر در متون ادبی و مجموعه شاعران در تحلیلی جامع و مانع ارزشمند و فاخر است؛ براین اساس حصر و قصر قابلیت بلاغی مشترکی میان گوینده و مخاطب اوست این قابلیت برای گوینده روشن کردن و القای تفکر درونی اثرش میشود و برای مخاطب باعث تحلیل و فهم محتوای اثر میگردد. شعر قیصر امین‌پور به دلیل کاربرد مضامین نو و ظرافت‌های شعری از این منظر (حصر و قصر) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

### کلمات کلیدی

علم معانی، حصر و قصر، مقاصد قصر، قیصر امین‌پور

### مقدمه

ظرافتهای فراوان حصر و قصر در متون نظم و نثر فارسی در خور توجه و اهمیت است. از آنجا که فهم درست این ابزار بلاغت از طریق آثار ادبی محقق میشود و با عنایت به تعدد و تنوع کاربرد، ضرورت بررسی و تحلیل آن در جهت تبیین اندیشه و جهان‌بینی گوینده نمودار میگردد. در اصطلاح علم معانی، اختصاص یا تخصیص، حصر کردن چیزی یا کاری است در کسی، یا انفراد و انحصار کسی یا چیزی است به کاری یا امری. (اصول علم بلاغت در زبان فارسی، رضا نژاد: ۳۸۲)

به عبارت دیگر در «قصر» نوعی تأکید و انحصار و به نوعی دیگر برجسته‌سازی دیده میشود. البته مقاصد متعددی که از این نوع انحصار بدست می‌آید در حوزه بلاغت تعریف دیگری دارد. از جمله تقدیم و جابجایی عناصر جمله، تکرار، سوگند و کلمات مفید معنی تأکید در خبر انکاری.

آنچه روشن و صریح است، حصر و قصر همزمان توانمندیهای فراوانی را در اختیار صاحب اثر در جهت بیان و القای اندیشه‌اش و در اختیار مخاطب در راستای تبیین آثار و اندیشه‌های مؤلف قرار میدهد. براساس آنچه تقریر شد، بازنگری و بازشناسی، نقد این مباحث در کتب معانی فارسی امری ضروری و ارزشمند است.

نگاهی نو و خلاقانه به بررسی حصر و قصر در شعر شاعری خلاق و نواندیش چون قیصر امین‌پور پرداخته شده است. درک و شناخت حاصل از اغراض شاعری چون قیصر امین‌پور در کاربرد حصر و قصر جلوه‌های شاعرانه، اندیشه‌های بارور و ذهن خلاق او را برای مخاطب روشن و فاخر میکند. و لذت ادبی و بهره‌مندی و شناخت او را از اثر و مجموعه آثار قیصر امین‌پور عمیق‌تر خواهد کرد.

### بررسی و نقد «تقسیم‌بندیهای سه‌گانه قصر»

در کتب معانی، قصر و حصر از جنبه‌های مختلف دسته‌بندی شده است. معمولاً پس از تعریف و طرح مبحث، ابتدا تقسیم‌بندی قصر به دو نوع حقیقی و غیرحقیقی مطرح میشود. سپس تقسیم به دو گونه «صفت بر موصوف» و «موصوف بر صفت» و در نهایت، تقسیم سه‌گانه؛ «افراد»، «تعیین» و «قلب». این تقسیم‌بندیها ملاک روشنی ندارد؛ بطوریکه برخی در آغاز و بدون مقدمه، قصر را به دو دسته حقیقی و غیرحقیقی (ر.ک: مختصر المعانی،

معالم البلاغه، معانی آهنی، کزازی) و برخی به دو بخش قصر موصوف و قصر صفت تقسیم کرده‌اند (ر.ک: معانی شمیسا، معانی علوی مقدم).

### ملاک تقسیم‌بندی سه‌گانه قصر

معمولاً مشخص نمیشود که دسته‌بندیها بر چه اساسی صوت گرفته است. برخی معتقدند: «ممکن است یک مثال با اختلاف احوال مخاطب برای هر سه نوع قصر شایسته باشد» و نیز قصر صفت و قصر موصوف را در تمام انواع قصر جاری دانسته و بر این اساس، برای آن شش وجه برشمرده‌اند. در این حالت هر کدام از سه نوع قصر قلب و تعیین و افراد ممکن است از جنس قصر صفت بر موصوف یا موصوف بر صفت باشد (معانی و بیان، همایی: ۱۲۵ و بیان و معانی، شمیسا: ۱۷۱)، اما براساس آنچه در کتب معانی آمده، مبانی تقسیم هر یک از انواع قصر به شرح زیر است:

۱. قصر حقیقی و قصر ادعایی که به آن قصر اضافی هم می‌گویند بر سه گونه است:
  - الف. تقسیم قصر به اعتبار حقیقت و واقع (معالم البلاغه، رجایی: ۱۲۳)
  - ب. تقسیم قصر بر حسب اعتبار و قصد گوینده (اصول علم بلاغت: ۲۷۷، درالادب: ۱۰۹).
  - ج. تقسیم قصر از دید سرشت و چگونگی آن (کزازی: ۱۸۴).
- ۲- قصر صفت بر موصوف و قصر موصوف بر صفت.
  - الف. تقسیم قصر به اعتبار طرفین (معالم البلاغه، رجایی: ۱۲۳).
  - ب. تقسیم قصر به اعتبار حال مقصور (اصول علم بلاغت: ۱۰۹).
- ۳- قصر افراد، قصر قلب و قصر تعیین: تقسیم قصر با در نظر گرفتن اعتقاد مخاطب و احوال او.

همانطور که ملاحظه میشود، آشفتگی و عدم انسجام در طرح کلی مبحث قصر بسیار آشکار است. شرح تفصیلی و نقد لازم بر این پریشانیها، موضوع مقاله‌ای جداگانه است.

### شیوه‌های کاربرد حصر و قصر و شعر قیصر امین پور

گفتنی است که شیوه‌های بیان اختصاص در زبان فارسی قدیم و جدید بصورتی جامع در کتابهای بلاغت فارسی بررسی نشده است. بعضی از بلاغت‌نویسان به تعدادی از این روشها، در مواضع گوناگون اشاره کرده‌اند که بیش از این در مبحث ملاک تقسیم‌بندی سه‌گانه قصر به ذکر آن پرداخته‌ایم. یکی از پرکاربردترین شیوه‌های کاربرد "حصر و قصر" همان

ادات قصر است که در اشعار قیصر امین‌پور به آن می‌پردازیم. لازم است در ابتدا عنوان کرد که منبع مورد نظر مجموعه اشعار قیصر امین‌پور میباشد که ذکر منبع آن به شکل عنوان (مجموعه شعر و صفحه مورد نظر ذکر شده است).

۱- استفاده از ادات "حصر و قصر" از جمله "جز" پرکاربردترین ادات در شعر قصر امین‌پور است. به طور کامل و جامع قیصر امین‌پور پنجاه و سه مورد از ادات "حصر و قصر" استفاده کرده‌اند. از مجموع پنجاه و سه مورد چهل و دو مورد با دات "جز"، سه مورد با ادات "تنها" و چهار مورد از ادات "همان و همین"، سه مورد از ادات "غیر" و یک مورد از ادات "هیچ" بهره جسته است.

ما هیچ نیستیم، جز سایه‌ای از خویش

آیین آینه، خود را ندیدن است (رفتن رسیدن است: ۳۵۳)

ما را بجز برهنگی خود لباس نیست (میراث باستانی: ۳۷۴)

جمله زبان و بی سخن سوز چو شمع و دم مزین

جز به درون خویشتن، شمع سفر نمی‌کند (سفر: ۳۹۹)

البته کاربرد همزمان و تعداد ادات قصر از دیگر ویژگیهای شعر اوست.

بجز عشق، دردی که درمان ندارد بجز عشق راه علاجی ندیدم (به بالای تو: ۱۹۷)

\* کاربرد همزمان حصر و قصر بوسیله ادات و همراهی با دیگر عناصر زیبایی کلام چون "تشبیه" قابل ذکر است.

ندارم شاهدهی جز چشم مستت که اشکم شاهد و آهم گواهه (خانقاه: ۶۸)

\* همزمانی "حصر و قصر" با متناقض نما نیز بر عمق شعر او افزوده است.

رهایم مکن جز به بند غمت اسیرم مکن جز به افتادگی (الهی: ۱۷۶)

ما را بجز برهنگی خود لباس نیست (میراث باستانی: ۳۷۴)

\* از دیگر کاربردهای "حصر و قصر" بوسیله ادات میتوان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

جز تو هیچ میزبان مهربان نان و گل به میهمان نمیدهد (نامه‌ای برای تو: ۳۱۱)

صدایی به رنگ صدای تو نیست	بجز عشق، نامی برای تو نیست
شب و روز تصویر موعود من	در آینه جز چشمهای تو نیست
تن جاده از رفتنت جان گرفت	رگ راه جز ردپای تو نیست
به تشییع زخم تو آمد بهار	که جز سبزه، رخت عزای تو نیست

به آن زخم‌های مقدس قسم که جز زخم، مرهم برای تو نیست  
(نامی برای تو: ۳۴۴)

\* ... اما

غیر از همین حس‌ها که گفتم

و غیر از این رفتار معمولی

و غیر از این حال و هوای ساده و عادی

حال و هوای دیگری

در دل ندارم (رفتار من عادی است: ۲۶۱)

یوسف برادرم نیز

تنها به جرم نام تو

چندین هزار سال

زندانی عزیز زلیخا بود (نه گندم و نه سیب: ۲۶۴)

\* ... نه جز اینم آرزویی نیست هر چه هستی باش!

اما باش! (هر چه هستی باش: ۲۷۸)

\* بی عشق دلم جز گرهی کور چه بود؟

دل چشم نمیگشود اگر عشق نبود (اگر عشق نبود: ۳۰۸)

\* غم میخورند شاعران مثل آب و نان

اما دریغ، جز غم خوردن نمی‌خورند (غمخواری: ۱۸۲)

\* به سرسبزی خویش کاجی بدیدم به سر گرچه جز برف تاجی ندیدم (به بالای تو: ۱۹۷)

بجز عشق، دردی که درمان ندارد بجز عشق راه علاجی ندیدم (به بالای تو: ۱۹۷)

که جز سکه‌های سیاه دورویی به بازار یاران رواجی ندیدم (به بالای تو: ۱۹۷)

\* ای دل من دستخوش درد تو

جز غم تو هیچ ندارم، همین (عشق چه میگفت: ۲۱۰)

\* فرزندم!

رویای روشنت را

دیگر برای هیچ کس بازگو مکن

- حتی برادران عزیزت -

جز در هوای تو مرا سیر و سفر نیست

گلگشت من دیدار سرو و سوسن تو (سفر و هوای تو: ۳۷)

\* با آنکه جز سکوت جوابم نمی‌دهی در هر سؤال از همه پرسیده‌ام تو را  
از شعر و استعاره و تشبیه برتری با هیچ کس بجز تو نسنجیده‌ام تو را (رؤیای آشنا: ۴۵)  
۲- آوردن ضمیری در ابتدای کلام و کوتاه کردن معنی آن بوسیله مرجع آن که اسمی است  
ظاهر یا ضمیری دیگر. (اصول علم بلاغت: ۳۸۳)  
در کاربرد ضمیر دو معنای "حصر و قصر" قیصر امین‌پور شانزده مورد دیده شد در بعضی  
موارد دیده میشود که ضمیری در آغاز جمله اسنادی مورد استفاده واقع شده و در ادامه با  
پیوند دادن این جمله با حرف پیوند "که" به جمله بعد، مقصود "حصر و قصر" را مدنظر  
قرار داده است.

\* در مورد استفاده از ضمیر شخصی میتوان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

قطار میرود

تو میروی

تمام ایستگاه میرود

عشق را به مدرسه بردیم

در امتداد راهروی کوتاه

من چقدر ساده‌ام

که سالهای سال

در انتظار تو

کنار این قطار رفته ایستاده‌ام (سفر ایستگاه: ۷)

\* از دیگر نمونه‌های استفاده از ضمیر شخصی میتوان به مثالهای زیر اشاره کرد.

ما بی صدا مطالعه میکردیم

اما کتاب را که ورق میزدیم

تنها

گاهی به هم نگاهی (همزاد عاشقان: ۸)

\* گم شدی ای نیمه سیب دلم

ای من من! ای تمام روح من! (قدر اندوه: ۴۳)

\* تویی بهانه آن ابرها که میگریند

بیا که صاف شود این هوای بارانی (مهمانی: ۳۰۴)

\* مزار تو بی مرز و بی انتهاست

تو پاکی و این خاک جای تو نیست (نامی برای تو: ۳۴۳)

۳- تقدیم ما حقّه التأخیر مفید الحصر: تقدیم ارکان جمله بعنوان نمونه تقدیم مفعول بر فاعل (اصول علم بلاغت: ۲۶۰) (بیان و معانی، شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

بسامد این نوع تقدّم در شعر امین پور هشت مورد است، بعنوان نمونه:

\* ما را از هر طرف نشانه گرفته‌اند

انگاری

غوغای چشمهای من و تو

سکوت را

در آن کتابخانه رعایت نکرده بود (همزاد عاشقان، ۹:۳)

\* ... این دل نجیب را

این لجوج دیرباور غریب را

در میان خویش

راه می‌دهید؟ (نامی از هزار نام: ۲۶۳)

\* گاهی تقدم مسند بر. سندالیه برای اختصاص مسند به مسندالیه صورت می‌گیرد. (اصول

علم بلاغت در زبان فارسی: ۱۶۱)

- هر چه گفتم از غم آن روزها و سوزها هر چه در دل داشتم از نیشها و نوشها

هر چه گفتم، هیچ کس نشنید یا باور نکرد... (روزها و سوزها: ۵۷)

- سوره چشم خرابت حکمت تخریب شراب

سفر تکوین نگاهت مژده اهل کتاب (آخرین تصویر: ۱۷۲)

- امتداد نقشهای روی قالی را

با نگاهی بی هدف دنبال کردن

جوجه زرد و ضعیفی را که خشکید،

توی خاک باغچه

با خواندن یک حمد و سوره چال کردن

۴- گاهی مسند الیه را ضمیر اشاره می‌آورند تا حکم تازه‌ای به آن اختصاص میدهند (اصول

علم بلاغت در زبان فارسی: ۱۶۱)

لازم است علاوه بر نظر گفته شده صفت‌های اشاره را هم ذکر کرد که بسامد آن پنج مورد است. البته با هم‌آیی و همخوانی این نوع، با ضمیر شخصی و ادات حصر و قصر نیز دیده شد.

- پس چگونه

بی امان روشن نگه‌دارم

سال‌ها این پاره آتش را

در کف دستم (شعر: ۱۲)

- من هیچ چیز و هیچ کس را

دیگر

در این زمانه دوست ندارم. (شعر ناگفته: ۱۳)

- این حنجره این باغ صدا را نفروشید

این پنجره، این خاطره‌ها را نفروشید (سرمايه دل: ۶۶)

یک عمر دویدیم و لب چشمه رسیدیم

این هروله سعی و صفا را نفروشید (سرمايه دل: ۶۷)

- این تویی در آن طرف، پشت میله‌ها رها

این منم در این طرف، پشت میله‌ها اسیر (خسته‌ام از این کویر: ۳۰۱)

۵ - تکرار و تکیه کلام: گاهی با تکیه بر روی واژه‌ها، افاده معنای حصر و قصر صورت

میپذیرد (بیان و معانی، شمیسا: ۱۳۲)

لازم است برای تکمیل عبارت (استاد شمیسا اشاره کرد که قیصرامین‌پور در شعری این "حصر و قصر" را با قافیه قرار دادن عبارت و واژه به عنوان واژه‌های مشترک قافیه بسیار زیبا بیان کرده است.

- ای مطلع شرق تغزل، چشم‌هایت

خورشیدها سر میزنند از پیش پایت

ای عطر تو از آسمان نیلوفری‌تر

پیچیده در هرم نفس‌هایم، هوایت ...

(غزل شرقی: ۴۱)

- ای آیه آیه آیه من در کتاب تو

ای امتداد سایه من آفتاب تو

ای نام من تمام من، ای شعر ناب من

بگذار تا سرود شوم در کتاب تو

(عکس کودکان من: ۲۰۵)



۶ - گاهی مسندالیه را ضمیر اشاره می‌آورد تا حکم تازه‌ای را به آن اختصاص دهد. (اصول علم بلاغت در زبان فارسی: ۱۶۱)

- آنکه دستور زبان عشق را بی گزاره در نهاد ما نهاد خوب میدانست تیغ تیز را در کف مستی نمی‌بایست داد

۷- مقید کردن مسند به وصف

- سه‌شنبه

چه سنگین! چه سرسخت، فرسخ به فرسخ (سه‌شنبه: ۱۶۶)

- امروز تکیه‌گاه تو آغوش گرم من

فردا عصای خستگیم شانه‌های تو (ای بوی هر چه گل: ۲۰۴)

۸- استفاده از یک لغت به تنهایی در ابتدای مصراعها در شعر نو، خود نگاهی جدا و ظریف در افاده "حصر و قصر" دارد.

کودک

با گریه‌اش در حیاط خانه بازی میکند.

مادر

کنار چرخ خیاطی

آرام رفته در نخ سوزن

در این شعر با استفاده از واژه‌ها "کودک" و "مادر" شاعر افعال و اعمال انجام گرفته را به این دو شخصیت اختصاص و محصور میکند.

۹- جمله دعایی خود در ایفا و معنای "حصر و قصر" مورد استفاده قرار گرفته است. این عنوان در هیچ کدام از منابع به عنوان شکل‌های حصر و قصر نیامده است.

به بالایت قسم، سرو و صنوبر با تو می‌بالند

بیا تا راست باشد عاقبت سوگندهای ما (بفرماید: ۳۹)

### مقاصد کاربرد "حصر و قصر" در شعر قیصر امین پور

از مجموع مقاصد کاربرد "حصر و قصر" در کتب بلاغی میتوان به ۱- تواضع و فروتنی ۲- اظهار حرمان ۳- عرض شکایت گله‌مندی ۴- تشویق و ترغیب ۵- بیان کم و کیف ۶- اظهار حلال ۷- یاری طلبیدن و فریادرسی ۸- تفاخر و مباهات ۹- بیان فعل عبث ۱۰- برای تحقیر ۱۱- برای جلب توجه و تأکید و برجسته سازی ۱۲- مبالغه و بزرگنمایی ۱۳- برای تعمیم

۱۴- برای بیان حصر اشاره کرد<sup>۱</sup> برای هر یک از مقاصد ذکر شده در شعر امین پور میتوان به تفکیک زیر قائل شد.

کاربرد ادات قصر از جمله "خبر"، "همین" و ... در شعر قیصرامین پور در افاده معنای حرمان، شکایت و گله‌مندی و "جلب توجه و تأکید و برجسته‌سازی" از بالاترین بسامد برخوردار است. "در مقدمه تأکید و برجسته‌سازی و جلب توجه" تنها استفاده ما به این نکته است که ذات استفاده از "حصر و قصر" تأکید و برجسته‌سازی است اما در تحلیل "حرمان، شکایت و گله‌مندی" و همچنین "تفاخر و مباهات" میتوان به این ویژگی شعر امین پور اشاره کرد که او پیوسته در جستجوی عنصر کمال است. هر از چند گاهی از یافتن آدمی در عالم خاکی اظهار ناامیدی میکند. باز میکوشد تا جستجوگری خستگی‌ناپذیری برای درک آرزوها و آرمانهای خود باشد. او در این رهگذر همچنان امیدوار است. به همین دلیل است که در کالبد "حصر و قصر" تنها دو مورد افاده بیان فعل عبث به چشم میخورد و تشویق و ترغیب از بسامدی بالاتر از یازده مورد دیده میشود. او نه تنها خود بلکه من دیگران را برای رسیدن به کمال تشویق و ترغیب میکند. "تفاخر و مباهات" در شعر او شانزده مورد در کاربرد "حصر و قصر" دیده شد که برعکس نگاه "خود محورانه" شاعران دیگر در ستایش "خود" به ستایش "عشق" و "معشوق" میپردازد و همه فخر و مباهات خود را در داشتن "عشقی" ترسیم میکند که ملال و اندوه را از او دور میسازد. "تواضع و فروتنی" در شعر امین پور از بسامدی متوسط برخوردار است. او تواضع و فروتنی در عمل میداند تا در کلام و سخن به دلیل همین تواضع است که در شعر او "تحقیر"، "مبالغه و بزرگنمایی" بویژه خویشتن شاعر از کمترین بسامد ممکن برخوردار است.

### نتیجه

"حصر و قصر" در شعر امین پور نه به عنوان ابزاری برای جلوه‌آفرینی و ایماژسازی بلکه عنصری برای عمق بخشیدن به روابط نسبت انسانی و اعتقادی است. تصاویر خیال او در کاربرد این عنصر خیال است که گویی شعر او چون جویباری زلال و پاک در بستر زبان بی پیرایه شاعر به حرکت در می‌آید و بدون ایجاد تراحم ارتباطی صمیمی و سیال با شعر را برای مخاطب به ارمغان می‌آورد.

۱. برای موارد ذکر شده در مقاصد حصر و قصر میتوان به کتب بلاغی از جمله (معالم البلاغه: ۱۶۲)، (روش گفتار: ۱۵۹)، (جواهر البلاغه: ۱۲)، (اصول بلاغت: ۳۸۳)، (بیان و معانی: ۱۳۰) مراجعه کرد.

کاربرد ادات قصر از جمله "جز" از پرکاربردترین عناصر زبانی است. برعکس اغلب شاعران او همزمان با محدود کردن و اختصاص با توجه به کاربرد ادات قصر به دنبال حرکت عمق بخشیدن هدایت و راهبری ذهن مخاطب به دنیای وسیع و گسترده است دنیایی که در آن تشویق و ترغیب یا دیگر است.

اظهار ملال و اندوه و حرمان در شعر امین‌پور نه به منزله عنصری برای خستگی و "بریدن" از جهان مادی است بلکه ابزاری برای رسیدن به "کمال" است.

"تحقیر، مبالغه و بزرگ‌نمایی" به عنوان یکی از مقاصد پرکاربرد "حصر و قصر" در شعر امین‌پور کمترین بسامد را دارد. "من" شاعر پیوسته "تحقیر" میشود و "من" معشوق پیوسته مورد "فخر و مباهات" قرار میگیرد. از طرفی دیگر شاعر به دنبال آن است با "تواضع و فروتنی" پیوسته از مقوله تحقیر دوری گزیند و برعکس دیگران که تواضع و فروتنی را در "کلام" نمود می‌دهند او در "رفتار" بروز دهد. زندگی او سرشار از رفتارها متواضعانه و خویشندارانه است.

## منابع

- درر الادب، آق اولی، حسام العلماء (۱۳۴۶)، شیراز: معرفت.
- معانی و بیان، آهنی، غلامحسین (۱۳۶۰)، تهران: بنیاد قرآن.
- مجموعه اشعار، امین‌پور قیصر (۱۳۹۰)، مروارید، تهران.
- مختصر المعانی تفتازانی، علامه سعدالدین (۱۴۰۹)، قم: انتشارات سیدالشهدا.
- هنجارگفتار، تقوی، نصرالله (۱۳۶۳)، اصفهان: فرهنگسرای اصفهان، چاپ دوم.
- معالم البلاغه، رجایی، محمد خلیل (۱۳۴۰)، انتشارات دانشگاه شیراز.
- اصول علم بلاغت، رضائزاد (نوشین)، غلامحسین (۱۳۶۷)، انتشارات الزهرا، چاپ سوم.
- عبرالعاشقین، روزبهان بقلی، ابومحمد (۱۳۶۶)، انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران.
- روش گفتار، زاهدی، زین‌الدین (۱۳۴۶)، مشهد: چاپخانه دانشگاه.
- بیان و معانی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، تهران: انتشارات فردوس، چاپ اول.
- معانی و بیان، علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا (۱۳۸۱)، تهران سمت.
- زیباشناسی سخن پارسی (۱) کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۴)، معانی، تهران: نشر مرکز، چاپ چهارم.
- دیوان، شرح جعفر شعار - احمدنژاد ناصر خسرو (۱۳۷۸)، تهران: قطره.

جواهر البلاغه، هاشمی، احمد (۱۳۸۱)، ترجمه حسن عرفان، قم: نشر بلاغت، چاپ سوم.  
معانی و بیان. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)، تهران: نشر هما، چاپ سوم.  
معالم البلاغه، رجایی، محمدخلیل (۱۳۷۹)، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.  
اصول علم بلاغت در زبان فارسی، رضائزاد، غلامحسین (۱۳۶۷)، تهران: انتشارات الزهرا.  
روش گفتار. زاهدی، زین‌الدین جعفر [بی تا]، مشهد: چاپخانه دانشگاه.  
معانی، کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۳)، تهران: کتاب‌ماد.  
معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، همایی، استاد جلال‌الدین (۱۳۴۷)، تهران:  
نشر هما.